

فصلنامه علمی - تخصصی  
مطالعات قرآنی نامه جامعه  
سال هجدهم - شماره ۱۳۳  
بهار ۱۳۹۹

## بررسی تطبیقی حقوق جنسی زوجه

### از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه و علامه فضل الله رحمته الله علیه

مریم قوجایی خامنه<sup>۱</sup>

معصومه برخوردار<sup>۲</sup>

#### چکیده

نیاز جنسی، از مهم‌ترین نیازهای زیستی انسان به‌شمار می‌رود که پاسخ‌گویی صحیح به آن، تاثیر بسزایی در سلامت جسمی و روانی فرد و جامعه دارد. بر این اساس، دستور به ازدواج، راهکار عملی قرآن کریم برای تأمین این نیاز است. در این میان، پیوند ازدواج، حقوق و تکالیف جنسی متقابلی را برای همسران ایجاد می‌کند. علامه سیدمحمدحسین طباطبایی و علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله از جمله مفسرانی هستند که در ضمن تفسیر آیات زن و خانواده، به بیان حقوق و تکالیف جنسی بانوان پرداخته‌اند. بنا بر دیدگاه این دو مفسر، معاشرت به معروف و اصل مماثلت در حقوق و تکالیف، از مبانی قرآنی این بحث است که به نتیجه‌ای چون وجوب عدم اضرار به همسر در ارتباطات جنسی می‌انجامد. حقوق جنسی زوجه بنا بر صریح یا ظاهر آیات قرآن، مواردی همچون حق قسم، حق مضاجعه و حق استمتاع را دربر دارد. اغلب این موارد، مورد اتفاق دو مفسر است، به جز حق جنسی زوجه از حیث زمان، که علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله دیدگاهی متفاوت درباره آن دارند. علامه طباطبایی، بنا بر نظر مشهور فقهی، قائل به حق جنسی زوجه هر چهار ماه یکبار است؛ در حالی که علامه فضل‌الله، به دلیل ناسازگاری این امر با نیازهای جنسی زنان، هدف ازدواج و معاشرت به معروف، این فاصله زمانی را قابل پذیرش نمی‌داند و معتقد است دیدگاه مشهور فقهی، نیازمند بازنگری است. **واژگان کلیدی:** حقوق جنسی، حقوق زوجه، علامه طباطبایی، علامه فضل‌الله.

۱. دانش‌آموخته جامعه الزهراء عجها، سطح چهار حوزه گرایش تفسیر تطبیقی موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه  
m.ghojaei.kh@gmail.com

۲. طلبه سطح سه تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء عجها، kerahroodi@chmail.ir

## مقدمه

نیاز جنسی، بخش جدایی‌ناپذیر ماهیت زیستی، روانی، عاطفی و اجتماعی آدمی به‌شمار می‌آید و کیفیت ارضای آن، نقش بسیار مهمی در سلامت فرد و جامعه ایفا می‌کند (جان‌بزرگی و پناهی، ۱۳۹۶، ص ۴۵). نگاه ارزشی اسلام به‌گریزه جنسی و ارج نهادن به روابط همسران با هدف کسب آرامش و لزوم پاسخ‌گویی مناسب به نیازهای جنسی، نشان‌دهنده اهتمام این شریعت الهی به حقوق جنسی همسران است. با توجه به روح معنوی حاکم بر فرایند ازدواج و جریان داشتن دو بعد مادی و معنوی در کنار هم می‌توان‌گریزه جنسی را امری بنیادین و اساسی دانست، نه مسئله‌ای جانبی و کم‌اهمیت. (فضل‌الله، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶)

در حقیقت، اسلام به این روابط، رنگ عبادی می‌دهد. معادل‌سازی پاداش روابط جنسی با برخی تکالیف دشوار دینی<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۶) که در روایات به آن اشاره شده، نشانگر تلقی مثبت دینی است که سبب می‌شود همسران، احساس خوشایندی از این روابط داشته و لذت بیشتر و بدون احساس گناه برایشان حاصل شود (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۵۳). علاوه بر دستورات عملی، ادکار و ادعیه چشم‌گیری، تمامی مراحل روابط جنسی را پوشش می‌دهد<sup>۲</sup> (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۱۵) تا یاد پروردگار در این عرصه محرمانه زندگی جاری بوده و هواپرستی حاکم نگردد.

با توجه به اهمیت پاسخ‌گویی متناسب به نیاز جنسی، لازم است ازدواج و محیط خانوادگی، موقعیت و شرایط کامل برای کامیابی جنسی زوجین را داشته باشد (مطهری، ۱۳۴۸، ص ۴۶)؛ زیرا در غیر این صورت، انحرافات جنسی، اختلالات عصبی، روانی و اجتماعی افزایش خواهد یافت. (حسینخانی، ۱۳۸۷، ص ۷۲ و مطهری، ۱۳۴۸، ص ۶۳)

قابل ذکر است که روابط زناشویی، با ارضای‌گریزه جنسی تفاوت دارد؛ چه بسیاری افراد می‌توانند ارضای جنسی، به زناشویی اقدام می‌کنند ولی به هیچ‌وجه، گریزه جنسی آنان ارضاء نمی‌گردد. ارضای جنسی، نیازمند آمادگی‌های جسمی، روحی و روانی است که باید در زن و مرد، هر دو وجود داشته باشد؛

۱. أَمَا إِنَّهُ إِذَا أَقْبَلَ اِكْتَنَفَهُ مَلَكَانِ فَكَانَ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا هُوَ جَامِعٌ تَحَاتُّ عَنْهُ الدُّنُوبُ كَمَا يَتَحَاتُّ وَرَقُّ الشَّجَرِ فَإِذَا هُوَ اِغْتَسَلَ اِنْسَلَخَ مِنَ الدُّنُوبِ.

۲. بَابُ اِشْتِخَابِ الدُّخُولِ عَلَى طَهْرٍ وَصَلَاةٍ وَرُكْعَتَيْنِ وَالدُّعَاءِ بِالْمَأْتُورِ وَوَضْعِ الْيَدِ عَلَى نَاصِيَتَيْهَا وَاسْتِثْبَاتِ الْقِبْلَةِ حَالَ الدُّعَاءِ.

زیرا اگر این آمادگی، تنها در یکی از آن دو وجود داشته باشد، ارضای کامل، حتی برای آنکه دارای آمادگی‌های لازم می‌باشد، تحقق نخواهد یافت. بی‌توجهی به نیاز زن یا مرد در فرایند رابطه جنسی سبب خواهد شد که ارضای کامل برای طرفین یا لاقبل برای یک طرف انجام نشود و عطش نیاز جنسی همچنان باقی بماند.

علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله از جمله مفسرین معاصر صاحب‌نظر در مباحث زنان هستند که در تفسیر آیات مرتبط با خانواده و زنان، مباحث ارزشمند و قابل توجهی را ارائه کرده‌اند. علامه طباطبایی در ذیل آیات مرتبط با زنان<sup>۱</sup> به ارائه مباحثی مبسوط درباره شخصیت، جایگاه فردی و اجتماعی زن در اسلام پرداخته است. علامه فضل‌الله نیز علاوه بر عنایت به مسائل زنان در تفسیر من و حی القرآن، بخش گسترده‌ای از دیگر تألیفات خود را به مسئله زن و جایگاه واقعی زنان اختصاص داده، مانند: دنیا المرأه، تأملات الإسلامیه حول المرأه، قرائه جدیده لفقہ المرأه و ...

دیدگاه این دو مفسر در بیان حقوق جنسی زوجه، دارای وجوه اشتراک و افتراقی است که با بررسی دیدگاه آنان می‌توان به نتایج جامعی در این زمینه دست پیدا کرد. از این رو، نوشتار حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که: اختلاف‌ها و شباهت‌های دیدگاه علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله در بیان حقوق جنسی زوجه در قرآن کدام است؟ و این موارد از چه مبنایی نشئت گرفته است؟

گفتنی است پژوهش در حیطه سلامت و اختلالات جنسی در ایران، حیطه‌ای نوپا است. در مورد مسائل جنسی زوجین، بررسی‌ها و تحقیقات میدانی و آماری متعددی وجود دارد که بیشتر این تحقیقات، از جنبه بهداشتی، درمانی و روان‌شناسی صورت گرفته است (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۳۸). قابل توجه است که دو نگرش درباره ارضای نیازهای جنسی همسران در خانواده وجود دارد:

۱. محدودکردن لذت جنسی به مرد که در نتیجه، ارزش‌گذاری کمتری نسبت به لذت جنسی زنان و کسب رضایت آنان وجود داشته است. نظریه فوق در طول

تاریخ به طور عام در منابع فقهی، تفسیری، اخلاقی و ... و به طور خاص در آراء فقهاء وجود دارد که نظریه مشهور فقه اسلامی است. بر این اساس، زوجه باید برای مستحق شدن رابطه جنسی، انتظار بکشد و در صورت عدم رجوع شوهر، می تواند به دادگاه مراجعه کند. این دیدگاه، ناظر بر تعیین حداقل نیاز جنسی زن است. قابل ذکر است که مطلق بودن آراء فقهی درباره بهره مندی مردان از رابطه جنسی و تأکید بر وظیفه تمکین زن و تعیین حد زمانی ۴ ماه برای حق جنسی زن و بهره مندی وی از رابطه خاص جنسی و همچنین تأثیر نگرش های فقهی مردانه در طول تاریخ فقه اسلامی سبب بروز چنین دیدگاه هایی شده است.

۲. لذت جنسی برای هر دو جنس؛ به این معنا که زن در یک طرف رابطه جنسی قرار دارد و قرارداد و وظیفه تمکین برای وی، به معنای عدم اهمیت لذت جنسی او نیست. بر این اساس، برآورده شدن نیاز جنسی زن و رسیدن به رضایت جنسی وی اهمیت دارد که در این صورت، همان گونه که زن باید در صورت تمایل و احساس نیاز جنسی مرد، پاسخگوی نیاز وی باشد، مرد نیز باید نیاز زن را در این خصوص در حد متعارف و معقول مرتفع کند. در سال های اخیر، تلاش هایی برای احیاء حقوق جنسی جامعه بانوان صورت گرفته و با ارائه مباحث دقیق فقهی، روان شناختی و حقوقی، رضایت مندی جنسی بانوان بازخوانی شده؛ اما در عین حال، هنوز نیاز به طرح این مباحث در راستای شناسایی دقیق اصل مسئله رضایت مندی، عوامل، موانع و آثار و پیامدهای آن همچنان باقی است.

حقوق جنسی زوجه، از جمله حقوق مطرح شده در ابواب فقه است که از گذشته، ضمن مسائل فقهی نکاح، مورد توجه بوده است. در سال های اخیر در کتب متعددی، حقوق جنسی بانوان، به طور مستقل یا ضمنی مطرح و راهکارهایی برای استیفاء حقوق جنسی زوجه ارائه شده است. آنچه که بیش از پیش نیازمند تحقیق و بررسی است، به دست آوردن مبانی، روش ها و راهکارهای این موضوع با رویکرد اسلامی است. از جمله پژوهش های انجام شده می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

## کتاب‌ها

- جایگاه و محدوده حقوق جنسی زوجین در فقه امامیه و حقوق ایران؛ رقیه‌سادات مؤمن و صدیقه مهدوی کنی؛ در این نوشتار به تقابل فقه و حقوق پرداخته و ضمن ارائه نوآوری‌هایی در آراء فقهی، اشکالات حقوق خانواده در این راستا بیان شده است.
- حقوق جنسی زوجین در فقه و حقوق موضوعه؛ الهام شریعتی و مرضیه ولی‌حصاری.
- سلامت و اختلال جنسی همسران؛ مسعود نورعلیزاده میانجی؛ در این کتاب، با رویکردی اسلامی - روان‌شناختی بسیار جامع، به مؤلفه‌های مؤثر در سلامت و اختلال جنسی زوجین پرداخته و در فصول آخر، راهکارهای عملی در درمان اختلالات جنسی ارائه شده است.

## مقاله‌ها

- حدود روابط جنسی زن و شوهر در چارچوب قاعده معاشرت به معروف؛ رحیم نوبهار و سیده ام‌البین حسینی.
- کارکردهای اصل عفاف در حقوق خانواده؛ فرج‌الله هدایت‌نیا.
- خانواده و شاخص‌های تنظیم روابط جنسی؛ محمدعارف محبی.
- تبیین حق جنسی زوجین در بستر متون فقهی و حقوقی؛ مرضیه شعربافچی و همکاران.
- الزام زوج به رعایت حق جنسی زوجه؛ مریم احمدیه.
- حقوق جنسی زن و شوهر در اسلام؛ حسین امیری.

در این دست از تحقیقات نباید از نقش پژوهشگران زن غافل شد. علامه فضل‌الله در کتاب «زن از نگاهی دیگر» می‌نویسد: «پژوهش زن در مسائل زنان چه بسا آثار مثبتی داشته باشد؛ زیرا وی در عمق مشکلات حقیقی این جنس قرار دارد. از این رو، توانایی بیشتری برای تشخیص مشکل و ارزیابی راه‌حلی‌هایی که دیگران پیشنهاد می‌کنند، دارد. (فضل‌الله، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴). تعدادی از کتب و مقالات یادشده، از تحقیقات بانوان در خصوص حقوق جنسی زن می‌باشد که حاکی از اهمیت این مسئله در دوره معاصر است. با این حال، نقطه تمایز نوشتار حاضر با تألیفات مذکور، رویکرد تفسیری آن است که با بررسی تطبیقی، حقوق جنسی زوجه در قرآن را از منظر دو مفسر معاصر شیعی، علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله بررسی خواهد کرد.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱.۱. حقوق

حقوق، جمع حق (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۴۹)، ضد باطل و در معنای وَجِبَ (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶ و صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۸۶) و تَبَّتْ به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۲۶۱). اصل و ریشه حق را استواری و درستی شیء (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۱۵)، مطابقت و موافقت (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۴۶) و ثبوتی مطابق با واقع می‌دانند. (مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۲۶۲)

حق در اصطلاح علوم مختلف، تعاریف متفاوتی پیدا کرده که با معانی لغوی آن ارتباط دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۸). آنجا که حق مربوط به امور ارزشی و اجتماعی، مثل حقوق همسران بر یکدیگر می‌شود، امری اعتباری و ملازم با تکلیف است که برای کسی (له) بر دیگری (علیه) وضع می‌شود. یعنی حق همیشه دو طرف دارد؛ یک طرف، کسی است که حق به نفع او وضع شده و طرف دیگر، کسی است که ملزم به رعایت آن است. تحقق حق لوازمی دارد که از آشکارترین آنها، بهره‌وری است. کسی که نسبت به چیزی یا کسی حق دارد، می‌تواند از متعلق خود بهره‌ور شود. بنابراین اختصاص و امتیاز هم از لوازم حق هستند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۸۰ و ۳۹۲، ص ۱۸-۲۱). با استفاده از تعریف لغوی و اصطلاحی حق می‌توان گفت: حق امتیازی است که به منظور بهره‌وری (من له الحق) بر عهده (من علیه الحق) می‌آید و فرد مکلف به حق، موظف به ادای آن است.

### ۱.۲. جنس

جنس به تفاوت‌های بیولوژیک که منشأ زیست‌شناسی دارد، اطلاق می‌شود. Sex را می‌توان معادل فارسی واژه جنس دانست (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰). بنابراین تعریف، انسان‌ها از دو جنس مخالف تشکیل شده‌اند که با تفاوت‌های آشکار در مسائل زیستی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی به وجود آمده‌اند و این تفاوت، آن دو را مکمل یکدیگر قرار داده است. گاهی از جنس، معنای عام اراده می‌شود و به تفاوت‌های جسمی و روانی دو جنس و جنسیت اشاره دارد که معادل Gender یا Gender identity در انگلیسی است. گاهی معنای خاص از آن اراده می‌شود که به گزینه جنسی، کارکرد جنسی، بلوغ جنسی، آموزش جنسی و رشد جنسی اشاره دارد. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۳)

### ۱،۳. حق جنسی

ازدواج به دنبال خود، حقوق و تکالیفی را در حوزه‌های مختلف از جمله روابط جنسی ایجاد می‌کند. برخی از این حقوق و تکالیف، مختص رابطه جنسی است که از اساسی‌ترین اهداف ازدواج و حقوق مشترک بین زوجین شمرده می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۴۵)

### ۱،۴. زوجه

واژه زوجه برگرفته از واژه «زوج» در معنای قرین و همراه هر چیز (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۵) و مخالف فرد است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۹۱). هر دو جفتی را که به واسطه ازدواج یا به دلیل وجود شباهت با هم جفت شده باشند، زوج یکدیگر گویند (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۸۴). واژه «زوج» در زبان عرب (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۹۲) و قرآن برای زن و مرد، هر دو به کار رفته (بقره: ۳۵)؛ ولی واژه «زوجه» فقط برای زن به کار می‌رود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۹۲)

### ۱،۵. حقوق جنسی زوجه

مراد از حقوق جنسی زوجه مواردی است که از سوی شارع، مختص به جنس زن مقرر شده و برعهده زوج قرار گرفته است و باید به عنوان تکلیف به آن عمل کند و مواردی مانند: حق قسم، حق مضاجعه (هم‌خوابگی) و حق استمتاع را دربرمی‌گیرد.

### ۲. مبانی حقوق جنسی زوجه

قبل از ورود به هر بحث، باید به مبانی آن پرداخت تا شفافیت لازم برای آن ایجاد شود. از مبانی حقوق جنسی همسر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

#### ۲،۱. معاشرت به معروف

واژه «معروف» در آیات متعددی به کار رفته که به معنای تتابع، اتصال، قرار، آرامش و سکون (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۸۱)، فعل پسندیده از ناحیه شرع (ابن منظور، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۲۳۸) و

هرکاری که با عقل، نیکو شناخته شود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۶۰) و شرع به آن امر کند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۹۸) است. برای تعیین مصادیق معاشرت به معروف لازم است به اموری مراجعه کرد که عقل و شرع در روابط اجتماعی و به طور خاص در روابط همسران به آن حکم می‌کنند. مصادیق واژه «معروف» در روابط زوجین، روابط والدین و فرزندان و روابط خویشاوندان به چشم می‌خورد. «معروف» در روابط بین همسران در اموری همچون: پرداخت نفقه به همسر، پرداخت هدیه به زن در هنگام طلاق، پرداخت مهر المتعه و رفتار متناسب با زن هنگام تصمیم به جدایی را در برمی‌گیرد که همگی در حوزه رفتاری شوهر با زن است (احمدیه، ۱۳۹۰، ص ۱۵۸). مجموع این مصادیق، قابل ارائه در اصلی با عنوان «اصل معاشرت به معروف» است. حسن معاشرت یا به تعبیری، معاشرت به معروف در تمامی حقوق و وظایف زوجین نسبت به یکدیگر از جمله حقوق جنسی قابل پیگیری است و از مهم‌ترین مبانی آن به شمار می‌رود<sup>۱</sup> (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۴۵) به این معنا که مرد باید در برقراری رابطه جنسی، نیاز جنسی زن را به نحو متعارف ارضاء کند و نزدیکی به گونه‌ای باشد که زوجین از آن لذت ببرند. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۳)

### - علامه طباطبایی

علامه طباطبایی ذیل آیات مختلف، متناسب با فضای آیه، مصادیق و تعاریف متفاوتی از واژه «معروف» ارائه داده است. در مجموع، ایشان محدوده معروف را عرف معمول بین مردم دانسته که افکار عمومی آن را شناخته و با آن مانوس باشد و آن را متضمن هدایت عقل، حکم شرع و آداب حسنه می‌شمارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۳۲). بر این اساس، چون اسلام، شریعت خود را بر اساس فطرت بنا کرده است، بنابراین معروف از نظر اسلام همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند. البته مردمی که از راه فطرت و نظام خلقت دور و منحرف نشده باشند و معتقدند خدا به همان چیزی امر می‌کند که عقل و فطرت به آن امر می‌کنند (همان، ص ۲۲۸). ایشان با توجه به کاربرد متعدد واژه مذکور در آیات خانواده، تأکید می‌کند که نحوه تعامل شوهر با همسر خویش باید براساس عرف پسندیده بین مسلمانان باشد (همان، ج ۴،

۱. «و من المعروف ان يكون الجماع علی صفة یلتذان به ما لا ما یحصل به الضرر».



ص ۲۵۵) و نباید تنها به ظاهر احکام دینی عمل کرد و روح آن را نادیده گرفت. (همان، ج ۲، ص ۲۳۵)  
 علامه طباطبایی در تبیین آیه «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... وَ يَجْعَلِ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹) انسان‌ها را، فارغ از جنسیت، جزء مقوم جامعه می‌داند؛ جزئی که اجزاء دیگر به آن نیازمندند. در زندگی اجتماعی، هر کس، هم از دیگران سود می‌برد و هم سود می‌رساند؛ در صورتی که اگر بعضی فقط سود برسانند بدون اینکه بهره‌ای ببرند، به آنها ظلم شده و این معاشرت به معروف نیست. بنای اسلام این است که با زن مثل یک انسان رفتار شود و دارای جایگاه حقیقی باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۵۵). عدم ظلم و اضرار به زن، تمام ابعاد حقوقی زندگی وی از جمله حقوق جنسی را نیز دربرمی‌گیرد. این مطلب را علامه در تبیین «وَلَا تُسِيكُوهُنَّ ضَرَارًا لِيَتَّعْتِدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (بقره: ۲۳۱) اشاره کرده است. ایشان حکمت ازدواج را رفع نیازهای غریزی همسران دانسته و معتقد است اگر مرد در نگهداری زن قصد ضررزدن به او را داشته باشد، با حکمت ازدواج ناسازگار است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۳۶)

#### - علامه فضل‌الله

علامه فضل‌الله در این زمینه می‌نویسد: «روش برگزیده اسلام، در چگونگی ارتباط مردان با همسرانشان، معاشرت به معروف است. معاشرتی که در احترام به عواطف و شخصیت زن شکل می‌گیرد؛ این‌که او را مانند انسانی محترم، صاحب فکر و اراده بدانند؛ چراکه انسان از ادراکات و افکارش جدا نیست. از آنجاکه ادراکات، عواطف و شخصیت انسان‌ها با هم متفاوت است، در صورت تعارض در زندگی مشترک، لازم است همسران به کمک تفاهم، به نوعی انسجام فکری برسند که این در سایه مودت و رحمت حاصل می‌شود». (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۶۳)  
 ایشان به عدم اضرار زن از ناحیه شوهر اشاره کرده، می‌نویسد: «نباید مرد زنش را به قصد ضررزدن به او نگه دارد یا زندگی مشترک را برایش تبدیل به زندان کند یا بخواهد به او فشار روحی آورده، مانع از طلاق او و ازدواج با دیگری شود» (همان، ص ۳۱۸). ظلم و ضرر رساندن به زن در حوزه مسائل جنسی و عدم رعایت حقوق جنسی وی بنا بر دیدگاه علامه فضل‌الله، مخالف با اصل «معاشرت به معروف» خواهد بود.

بنا بر دیدگاه هر دو مفسر، معاشرت به معروف، مبنای حقوق مختلف زنان در زندگی مشترک

است که حقوق جنسی از جمله آنان است. از نظر علامه طباطبایی، زن انسانی کامل است و بنا بر معاشرت به معروف، از جمله حقوق اجتماعی، سودرسانی طرفین رابطه اجتماعی به یکدیگر است. نیاز جنسی از جمله نیازهای دوسویه بوده و خانواده برای سودرسانی جنسی زوجین به یکدیگر تشکیل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۵۵ و ج ۱۶، ص ۱۶۶)

بنا بر دیدگاه علامه فضل‌الله بر پایه معاشرت به معروف لازم است معاشرت مرد با همسرش متناسب با شخصیت و ادراکات او باشد و حقوق بیان شده او با توجه به مباحث روان‌شناختی (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۲۷۰-۲۸۰) و روایات، از جمله نیازهای جنسی زن رعایت شود. اصل معاشرت به معروف، برای هر دو مفسر، پذیرفته شده است؛ هرچند در گستره و مصادیق آن ممکن است اختلاف نظر وجود داشته باشد.

## ۲، ۲. اصل مماثلت در حقوق و تکالیف

قاعده «لزوم موازنه و تعادل میان حقوق و تکالیف زوجین» از عبارت «وَهَنَّ مِثْلَ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۲۸) برداشت می‌شود که به موجب این قاعده، جمیع حقوق زوجه در توازن متعارفی با حقوق شوهر قرار دارد. آیه به روشنی دلالت دارد که اصل در حقوق و تکالیف زن و شوهر آن است که به طور متعارف، متقابل باشند. بنابراین، هیچ تکلیفی نیست که زن در برابر مرد، متعهد به ایفای آن باشد، مگر اینکه بر مرد نیز مقابله به مثل آن عمل، واجب است (نوبهار، ۱۳۹۷، ص ۸۲). البته منظور از مماثلت در حقوق، مماثلت در اصل وجوب حقوق و مصادیق آنهاست، نه در کیفیت و کمیت آنها؛ به عبارتی، هرچند زن و مرد در چگونگی و زمان حقوق جنسی، مشابه یکدیگر نیستند؛ اما از تساوی در حقوق و تکالیف در این زمینه برخوردارند.

### - دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی بر این باور است که یکی از احکام اجتماعی که مبتنی بر فطرت است، مساوی بودن افراد در احکام است؛ البته تساوی متناسب با موقعیت و جایگاه افراد. بر همین اساس، اسلام حقوق و تکالیفی برای زنان جعل کرده که بین این حقوق و تکالیف، تساوی و تناسبی برقرار است که برگرفته از جایگاه و وضعیت اجتماعی او و تأثیرش در زندگی زناشویی و بقای نسل دارد. (طباطبایی، همان، ج ۲، ص ۳۴۹)

علامه این مسئله را به وجود دو ویژگی در زن برمی‌گرداند؛ موقعیت خاص و برجسته زن در تکوین نوع انسانی و رشد و بقاء آن و ابتناء وجود زن بر لطافت جسمی و ظرافت احساسی و همان‌گونه که ذکر شد این دو خصیصه در وظایف اجتماعی وی مؤثر است (همان، ص ۴۰۹). برخورداری زوجه از کلیت حقوق جنسی، از جمله مواردی است که از تساوی حقوق و وظایف برمی‌آید، هرچند در کمیت و کیفیت آن تفاوت‌هایی وجود دارد.

### - دیدگاه علامه فضل‌الله

علامه فضل‌الله در تبیین آیه مورد بحث، دو احتمال معنایی را مطرح می‌کند: اول: زن و مرد حقوقی مانند هم دارند؛ به عنوان نمونه، هم چنان‌که مرد، حق استمتاع دارد؛ زن نیز از همین حق برخوردار است. در این صورت، حقوق و وظایف مشترکی برای هر دوی آنها وجود خواهد داشت، مگر مواردی که از دلیل خاصی برخوردار است مانند حق نفقه زن که برعهده شوهر بوده و به دلیل این تکلیف اضافه، درجه و برتری به مرد عطا شده است.

دوم: هر کدام از زن و مرد همان‌گونه که حق دارند، تکلیف هم دارند. البته مانعی هم نیست که یکی حقی اضافه بر دیگری داشته باشد، مانند این‌که بنا بر دیدگاه فقهاء و بیشتر مفسرین، زن و مرد در حق استمتاع یکی نیستند؛ حق مرد، مطلق و حق زن، محدود و مشروط است.

علامه فضل‌الله با استناد به آیه «وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ» نظر اول را پذیرفته و مثلثیت زن و مرد را در حقوق و تکالیف از جمله حق جنسی، می‌پذیرد. ایشان در توضیح می‌افزاید: برتری دادن مردان با درجه‌ای که مختص به آنهاست، دلالت بر این دارد که بیان سابق درباره مثلثیت حقوق و تکالیف است؛ چرا که عطاء درجه و فضیلت، بعد از بیان مساوات است. (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۸۳ و ۲۸۴)

در مقایسه این دو دیدگاه، به دست می‌آید که علامه طباطبایی، اصل تطابق حق و تکلیف را (با وجود تفاوت‌هایی) می‌پذیرد. با این توضیح که برخی از احکام، له و برخی علیه زن هستند که بین این احکام، تساوی برقرار است و در عین حال، جایگاه زن در اجتماع و فرایند تولید نسل حفظ می‌شود. افراد جامعه با توجه به جایگاه، اعتبار و میزان تأثیرگذاری در جامعه انسانی از حقوقی مساوی برخوردارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۴۹)؛ اما طبق نظرات علامه فضل‌الله هم اصل



مثلیت در حقوق و تکالیف ثابت می‌شود. دیدگاه ایشان متمایز از مشهور فقهاء و مفسرین است و موافق با مساوات مثل به مثل در حقوق و تکالیف همسران است. هرچند که ایشان در بیان تفسیری خود، فتوای فقهی بیان نکرده است، ولی به نظر می‌رسد دیدگاه فقهی ایشان، متمایز از دیگران باشد که در جایگاه متناسب خود قابل بررسی است.

تفاوت نگاه این دو مفسر، به دیدگاه و مبنای ایشان در مسئله حقوق و تکالیف و مسائل زنان برمی‌گردد. تفاوت دیدگاه این دو مفسر در مصادیق حقوق زوجین، به طور عام و حقوق جنسی به طور خاص مشاهده می‌شود.

### ۳. مصادیق حقوق جنسی زوجه

حقوق جنسی زن دارای موارد مختلفی است:

#### ۳.۱. حق قسم

حق قسم از جمله حقوق واجب زوجه است. واژه «قسم» اسم مصدر و به معنای دادن نصیب، بهره، تجزیه و تقسیم کردن است (ازهری، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۱۹ و مصطفوی، ۱۴۲۶، ج ۹، ص ۲۶۱)؛ اما در اصطلاح فقهی<sup>۱</sup> عبارت است از: تکلیف شوهر به تقسیم شب‌ها در نزد همسران دائمی خود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۰۴ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۱۴۶) و رعایت عدل و مساوات در بین زنان خویش در هم‌خوابی و بیتوته کردن (جزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۰۸). به عبارتی اگر مردی بیش از یک همسر دارد، موظف به رعایت عدالت بین زنان است؛ یعنی می‌بایست در ماندن کنار آنها تساوی را رعایت کند و از هر چهار شب، یک شب را در کنار همسر دائمی‌اش بگذراند (محقق حلی، ۱۳۷۴، ص ۵۵۵)؛ البته حق قسم، تنها هم‌خوابی است و برقراری ارتباط جنسی شرط نیست. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۳۴۲)

حق قسم در بحث تعدد زوجات بیشترین بروز و ظهور را دارد؛ زیرا حق قسم، به تنظیم روابط زوجین در فرض تعدد زوجات پرداخته و مانع از ظلم و بی‌عدالتی می‌شود. اختصاص عادلانه

۱. مسئله «قسم» در فقه غالباً باب مستقلی را به خود اختصاص داده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۰۴ و نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۱، ص ۲۰۱)

شب‌ها بین همسران، از مصادیق معاشرت به معروف است. قسم در قرآن نه به صورت صریح، بلکه به دلالت در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء<sup>۱</sup> مطرح شده است. خداوند رعایت عدالت بین همسران را سفارش کرده و معلقه‌گرداندن زوجه را مورد نهی قرار داده است. این مطلب مبین آن است که هر عملی که از مصادیق معلقه‌کردن زوجه به شمار آید، در دایره نهی شارع قرار می‌گیرد.

### - دیدگاه علامه طباطبائی

در دیدگاه علامه طباطبائی، عدالت، اساس تشریح در احکام ازدواج محسوب می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۱۳). ایشان مرد را ملزم به رعایت عدالت تا حد امکان می‌داند؛ به این معنا که مساوات و برابری را بین آنها حفظ کند، اگر حق یکی را می‌دهد حق دیگری را نیز بدهد و علاقمندی به یکی از آنان، سبب ضایع شدن حق دیگری نشود، تا جایی که زن بلا تکلیف و مانند زن بی شوهر شود که نه شوهر داشته باشد و از شوهرش بهره‌مند شود و نه نداشته باشد تا بتواند همسری دیگر اختیار نموده و زندگی دیگری را آغاز کند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۶۴)

### - دیدگاه علامه فضل الله

علامه فضل الله مراد از عدل در آیه را سلوک عملی در زندگی میدانند. به اعتقاد ایشان، معاشرت مرد با همسرش باید به گونه‌ای باشد که در یک رابطه حقیقی ازدواج انتظار می‌رود. پس جایز نیست که یکی از همسرانش را به کلی رها کرده و اوقات خود را با همسر دیگرش بگذراند تا جایی که برای آن زن، چیزی جز نام ازدواج باقی نماند و مانند زنان مطلقه زندگی کند و از طرفی، آزادی عمل زن آزاد و بی شوهر را هم نداشته باشد. معلق نگه داشتن زن به این صورت به طور مسلم، ظلم بزرگی است که خداوند نیز آن را مبعوض می‌داند. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۴۹۲)

به نظر می‌رسد هر دو مفسر با پذیرش مبنای عدالت و نهی شارع از معلقه نگه داشتن زنان، رعایت حق قسم از طرف مرد را به عنوان حقی جنسی برای زن واجب دانسته شده‌اند. حق قسم، با هدف تحقق عدالت در روابط زوجین تشریح شده است؛ لذا بین اجرای حق قسم در روابط

۱. «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْبَيْتِ الْمَأْتَمِرِ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا» (نساء: ۳) و «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُسُوها كَالْمُعَلَّقَةِ وَ...». (نساء: ۱۲۹)

زوجیتی و اجرای عدالت در نهاد خانواده، رابطه تلازم برقرار است. همچنین حکمت‌های تشریح حق قسم، با اهداف کلی ازدواج و اصول تحکیم کیان خانواده در شریعت مبین اسلام، همسو و هماهنگ است. قابل ذکر است که روایات متعددی به حق قسم زوجه دلالت دارد که برای رعایت حجم و رویکرد نوشتار، از طرح آنها صرف نظر می‌کنیم.

### ۳،۲. حق مضاجعه (همخوابی)

«مضاجعه» واژه‌ای قرآنی (نساء: ۳۴) است و از نظر لغوی، مصدر واژه «ضجع» به معنای خوابیدن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۱۲) و چسباندن پشت به زمین است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۹۰ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۱۸). مضجع نیز به معنای بستر و خوابگاه است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۶۳) و بنابراین مراد از مضاجعت، کنارهمخوابی است.

در آیات قرآن به طور صریح به این حق جنسی زوجه اشاره و در صورت نشوز زن، ترک آن توسط شوهر راهکاری برای حفظ کانون خانواده معرفی شده است. به این معنا که در صورت ترس از نشوز زن، پس از احراز بی تأثیری نصیحت وی، شوهر رختخواب زن را ترک کند. این امر حاکی از آن است که در اسلام، حتی به خوابیدن زوجین در یک بستر هم توجه شده است. طبق این آیه، شوهر فقط در صورتی اجازه ترک رختخواب زن را دارد که زن ناشزه شده باشد یا خوف نشوز او وجود داشته باشد و موعظه او مفید فایده نباشد.

لزوم مضاجعه، به منظور حفظ مودت و رحمت میان زوجین تدبیر شده است و از مهم‌ترین حقوق جنسی زوجه شمرده می‌شود.

#### - دیدگاه علامه طباطبایی

علامه در تبیین جمله «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» می‌نویسد: ظاهر جمله این مطلب را می‌رساند که حتی در هنگام نشوز زن، همبستری همسران محفوظ باشد؛ ولی در بستر با او قهر کند و خود را بی میل به او

۱. الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ... مردان سرپرست و خدمتگذار زنانند... و (اما) آن دسته از زنان را که از طغیان و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید و (اگر مؤثر واقع نشد) در بستر از آنها دوری نمائید.

نشان دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۴). این بیان نشان از وجوب همبستری به عنوان یک حق را دارد.

### - دیدگاه علامه فضل الله

علامه فضل الله ذیل همین جمله می فرماید: «در صورتی که موعظه زن در بازگشت از نشوزش اثر نداشت؛ اسلام هجر در بستر را توصیه می کند. هجر در بستر، ترک مراوده و رهاکردن است یا پشت کردن در بستر و یا بی توجهی کردن است. به عبارتی، با عدم میل و اشتیاق شوهر به زن و بی مبالاتی نشان دادن به وی، در حقیقت نارضایتی خود را به او می فهماند. روان شناسان، این روش سلبی را از موثرترین روش ها برای اثرگذاری در شخصیت زن می دانند؛ زیرا مورد توجه همسر بودن از عوامل مهم احساس شخصیت زن محسوب می شود». (فضل الله، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۴۳)

علامه طباطبایی مراد آیه را حفظ بستر و پشت کردن در رختخواب، در صورت نشوز زن معنا کرده است. نظر ایشان با دلائل زیر تأیید می شود:

- ملاک در هجر، تلقی عرف است و اموری مانند ترک سخن گفتن با برداشت عرف سازگار نیست. (ثمنی، ۱۳۹۶، ص ۴۵)

- استعمال حرف جر «فی» در آیه حاکی از حفظ بستر است (جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۴۳)؛ زیرا «فی» در معنای ظرفیت (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۰۵) به کار می رود.

این نظر با روایات مطرح شده ذیل این آیه نیز مطابقت دارد. در روایات، «هجر» در آیه به معنای ترک آمده که از روی بی اعتنائی باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۵۵) و ترک، پشت کردن در بستر (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۲۱ و قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۹۳) معنا شده است. بنابراین، هجر در بستر همراه با حفظ بستر است.

علامه فضل الله مصادیق «هجر» را بدون هیچ اظهار نظری بیان می کند. ایشان عدم هجر در بستر را از امور مورد پسند زوجه می داند که در احساس شخصیت او اثر می گذارد و این عمل را نوعی مورد توجه بودن زن به شمار می آورد تا جایی که ترک آن می تواند تأدیبی برای او محسوب شود. از این رو، عدم هجران در بستر، احترام به شخصیت زوجه است و با بیانی که از معروف داشتند می توان گفت این عمل در دایره معروف قرار دارد و در معاشرت با زنان به آن امر شده است و بنابراین از حقوق زوجه محسوب می شود.



از تطبیق نظر این دو مفسر چنین برمی آید که هرچند هر دو به وجوب حق مضاجعه معتقدند؛ اما رویکرد علامه طباطبایی بیشتر در بحث نشوز و تأدیبی بودن مسئله است و علامه فضل الله بیشتر به جنبه روانشناسی و احساسات زنانه و حقوق عاطفی توجه کرده که محتمل است متناظر از فضای فرهنگی اجتماعی دوره معاصر باشد.

اگر کسی اشکال کند که مضاجعت از حقوق عاطفی به شمار می رود، پاسخ داده می شود که نیاز جنسی زنان متناسب با سن، موقعیت و شرایط آن ها متفاوت است. بعضی به همبستگی و بعضی به آمیزش علاقمندند که لازم است نیازشان متناسب با میلشان پاسخ داده شود (غلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۶). اگر هم این عمل از حقوق عاطفی باشد، چنین پاسخ داده می شود که توجه به مسائل عاطفی برای برانگیختگی زنان موثر است و برای تأمین نیاز جنسی زنان لازم است این مرحله به خوبی طی شود تا به مرحله آمیزش برسند.

### ۳،۳. استمتاع و بهره‌مندی رابطه جنسی

یکی از اهداف اصلی و مهم ازدواج، تأمین نیازهای جنسی زن و مرد است. بهره‌مندی از رابطه جنسی از حقوق جنسی مشترک زن و مرد است و آیات متعددی بر این مسئله دلالت دارد که می‌توان این دلایل را چنین تبیین کرد:

۱. **امر به ازدواج:** بنابر دیدگاه علامه طباطبایی و علامه فضل الله، هر آیه‌ای که زن و مرد را امر به ازدواج می‌کند مانند «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ» (نور: ۳۲) دال بر حق جنسی زوجین (زن و مرد) است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۱۳ و فضل الله (ب)، ۱۳۸۳، ص ۱۹۳-۲۰۰)، چراکه زنان هم برای تأمین غریزه جنسی ازدواج می‌کنند و امر خدا به ازدواج برای ارضای غریزه آنها نیز محسوب می‌شود. با بررسی لغوی ایامی، که دختران و پسران یتیم را دربرمی‌گیرد، (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۲۵؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۱۰۰ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۹) و توجه به سیاق آیات، که زنان دارای صلاحیت را امر به ازدواج و زنان دیگر را امر به عفت می‌کند، (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۵۷) همان نتیجه‌ای حاصل می‌شود که علامه طباطبایی و علامه فضل الله بیان کرده‌اند.



۲. **تشبیه زوجین به لباس:** در جمله «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ» (بقره: ۱۸۷)، تشبیه بلیغی به کار رفته و مفسرین در بیان وجه شبه آن، به وجوه مختلفی اشاره کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۰۶ و مکارم، ۱۳۷۱ ج ۱۴، ص ۴۵۷). علامه طباطبائی وجه شبه لباس و زوجین را حفظ یکدیگر از فسق، فجور و اشاعه آن دانسته (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۵) و علامه فضل‌الله وجه شبه را در آیه، شدت نیاز زوجین به یکدیگر می‌داند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۵۰)

۳. **ازدواج و آرامش بخشی:** علامه طباطبائی در تبیین جمله «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (روم: ۲۱) می‌فرماید: «خداوند برای این‌که به شما نفعی برساند، از جنس خودتان زوجی آفرید و هر یک از آن دو به تنهایی محتاج به دیگری است و به خاطر همین نقص و احتیاج است که هر یک به سوی دیگری حرکت می‌کند و هنگامی که به او رسید، آرام می‌شود» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۶۶). بنابراین، واقعه، نفعی است که زن از ازدواج می‌برد و از حقوق جنسی او به شمار می‌آید. اگرچه حق جنسی از آیه برداشت می‌شود؛ اما همان‌طور که علامه فضل‌الله گفته، آیه فراتر از نیاز جنسی را بیان می‌کند و به جوانب روحی توجه بیشتری دارد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۸، ص ۱۱۵). عباراتی همچون حق تمکین، حق جنسی، حق تمتع و حق وطی، نام‌های دیگر حق استمتاع هستند. این حق اغلب نسبت به زوج، حق تمکین و نسبت به زوجه، حق واقعه نامیده می‌شود. متأسفانه از آن‌جا که همواره حق تمتع زوج و نیاز جنسی مردان، پررنگ‌تر و شفاف‌تر مطرح می‌شود، گاهی به خطا، انحصار نیز فهمیده می‌شود. جامعه زنان اغلب درک درستی از وجود چنین حقی ندارند و نبود درک و ارائه صحیح این موضوع در حقوق ایران و بین حقوقدانان ایرانی نیز مزید بر علت شده است (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۲۳-۲۴). اصل وجود حق جنسی زوجه در قالب رابطه جنسی، انکارناپذیر است؛ گرچه در حدود، شرایط و مبنای آن اختلاف نظر وجود دارد.

### ۳،۳،۱. حق جنسی زوجه در کیفیت رابطه جنسی

آن‌چه که درباره کیفیت و چگونگی رابطه جنسی و حقوق زن در این امر شمرده می‌شود، روایات و مطالب روان‌شناختی و فیزیولوژیکی است که خارج از محور بحث است. فقط به‌طور خلاصه اشاره می‌کنیم که اموری مانند: ابراز محبت، نوازش، رعایت نظافت، آراستگی، معطر بودن

و ملاعبه در روابط جنسی باید مورد توجه قرار گیرد. (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۰-۲۹۰). توجه مرد به آراستگی، نظافت و خوشبویی از عمده‌ترین عوامل حفظ عفت و از نیازهای زنان محسوب می‌شود که در روایات زیادی، شوهران به این مسئله امر شده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۷ و طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۱ و ۹۷)

### - دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی به طور کلی، ازدواج را برای کامل کردن سعادت زندگی لازم می‌داند که این سعادت تمام نمی‌شود، مگر با به آرامش رسیدن هر یک از زن و شوهر و یاری رساندن در رفع حوائج غریزی یکدیگر (طباطبایی، ۳۷۴، ج ۲، ص ۳۵۵). این حاجت غریزی که همان فطرت انسانی و خلقت مخصوص انسان است، زن و مرد را به سوی جنس مخالف خود می‌کشاند (همان، ج ۱۵، ص ۴۳۶) و با تحقق ازدواج، نقص و احتیاج طرفین (زن و مرد) برطرف گشته و واحدی تام و تمام درست می‌شود و این نقص و احتیاج، برانگیزاننده شهوت درونی است (همان، ج ۱۶، ص ۲۴۹). به نظر ایشان، در حقیقت، ازدواج متضمن پیمان نگهداری و یا رهاسازی زن به خوبی و نیکی توسط شوهر است (همان، ج ۴، ص ۴۱۱). به طور حتم، بهره‌مند ساختن زن از رابطه جنسی مطلوب و رعایت آداب سفارش شده شریعت، از مصادیق نگهداری به معروف و مدد به پاسخ‌گویی به نیاز جنسی وی خواهد بود.

### - دیدگاه علامه فضل‌الله

علامه فضل‌الله بر این باور است که بر اساس آیه «وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۲۸) حق زن و مرد در این زمینه یکسان است؛ یعنی هم‌چنان که بر زن لازم است که به مرد پاسخ گوید و در مقابل شوهر، موظف به آرایش و رسیدگی به خود است، بر مرد نیز لازم است که نیاز جنسی زن را پاسخ بگوید و خود را برای همسرش بیاراید به ویژه زمانی که ترس به گناه افتادن زن وجود داشته باشد (فضل‌الله، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴ و ۲۸۷) چرا که اسلام، بُعد عواطف انسانی را در روابط زن و مرد دخالت داده تا حدی که هشدار می‌دهد هیچ‌کدام از آن دو نباید در زمینه ارضای غریزه جنسی، خودمحور باشد و صرفاً لذت خویش را بطلبد؛ بلکه باید با احساس دوستی و محبت، رشد و کمالی در آن دو پدید آید که وادارشان کند تا به یکدیگر ببندیشند. در این مرحله است که علاوه

بر آرامش جسمی، آرامش روحی نیز ایجاد می‌شود. این مطالب، برگرفته از آیه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ» (بقره: ۱۸۷) است. به عبارتی هریک از همسران باید در پی برآورده کردن مجموعه نیازها، تمایلات و احساسات هم باشند (فضل الله، ۱۳۸۱، ص ۲۱۱). علامه فضل الله همسران را توجه می‌دهد که گذشته از پایبندی به حقوق همسران، باید در روابط خود، به اخلاق جنسی اسلام (که به آداب و مستحبات می‌پردازد) نیز توجه کرد. (همان، ص ۲۸۷)

### ۲، ۳، ۳. حق جنسی زوجه در کمیت رابطه جنسی

محدوده زمانی و فاصله بین دو رابطه جنسی برای زنان و به عبارتی حق بهره‌مندی زنان از رابطه جنسی، در فقه چهار ماه تعیین شده است (نظر مشهور). در مورد ادله این نظر و بررسی آن‌ها، نظرات و دیدگاه‌های مختلفی بیان شده؛ اما آن‌چه که در آیات قرآن وجود دارد، دلالت مستقیم بر این محدوده زمانی نیست و آن‌چه که به آن استناد می‌شود، آیه مرتبط با مسئله «ایلاء» است که می‌فرماید: «لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۲۶) این معنا است که تعیین ۴ ماه برای رجوع به همسر به این امر دلالت دارد که ترک نزدیکی بیش از ۴ ماه جایز نیست. ایلاء به معنای قسم خوردن مرد بر ترک نزدیکی با همسر است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۳۰؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۲۲۱ و طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۹) و در واقع، یکی از نواقض حق استمتاع زن است.

البته در فقه این مدت قابل کاهش و افزایش است. کوتاه شدن این زمان به ترس از ضرر و به گناه افتادن زن و نیاز جنسی وی بستگی دارد که به صورت احتیاط واجب در برخی از فتاوی فقهای متقدم و معاصر وجود دارد.<sup>۲</sup> همچنین افزایش مدت در برخی شرایط استثنایی مانند اختلال جنسی شوهر پس از ازدواج، مسافرت طولانی مدت و فقدان شوهر که به دلیل مصالح خانوادگی، زن از این حق برخوردار نیست و لزوم انتظار کشیدن زن تا یک سال به منظور معالجه شوهر و تا چهار سال به منظور اطلاع یافتن از سرنوشت وی وجود دارد (مؤمن، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹). تمام این موارد به صورت

۱. در میان اعراب صدر اسلام مرسوم بود که هرگاه مردی از همسر خود متنفر می‌شد، او را در تنگنای شدیدی قرار می‌داد؛ یعنی نه به طور رسمی او را طلاق می‌داد تا آزادانه شوهر کند و زندگی مطلوبی داشته باشد و نه بعد از سوگند، حاضر می‌شد با او آشتی کند و زندگی مطلوبی داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۵۰)

۲. رک: فتاوی سید محمد کاظم طباطبائی صاحب عروه الوثقی و فتاوی حضرات آیات مکارم شیرازی و شبیری زنجانی.

تفصیلی قابل بحث است، لیکن از آن جایی که بحث، صرفاً فقهی - حقوقی است با رویکرد قرآنی و ارائه نظریات تفسیری دو مفسر، قابل پیگیری نیست.

### - دیدگاه علامه طباطبایی

علامه در ذیل آیه مذکور می‌فرماید: «ایلاء آن است که مرد به قصد آسیب‌رساندن به همسرش، قسم بخورد که با او مباشرت نداشته باشد. چهار ماهی که در آیه ذکر شده، همان حدی است که شارع برای ترک مباشرت با همسران معین کرده است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۲۶). علامه در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام مؤیدی بر این مطلب می‌آورد که برای هیچ مردی جایز نیست که بیش از چهار ماه، زن خود را معطل کند؛ چون خدای تعالی که خالق زنان است می‌داند نهایت صبر زنان در دوری از مردان، چهار ماه است. (همان، ج ۲، ص ۳۸۸)

### - دیدگاه علامه فضل‌الله

علامه فضل‌الله در تبیین این آیه می‌نویسد: «ایلاء، قسم خوردن مرد بر ترک مقاربه با همسر است. در این حالت، مرد می‌خواهد زن را در عقد نکاح خود نگه دارد، ولی با ترک رابطه جنسی به او ضرر برساند، در حالی که خدا دوست ندارد زن در چارچوب زندگی زناشویی، آسیب جسمی یا روحی ببیند. از طرفی هم نمی‌خواهد مرد به طور کلی، سوگندش را لغو کند. از این رو، چهار ماه به مرد فرصت می‌دهد دوباره به زن روی آورد و حق جنسی او را ادا کند یا او را طلاق دهد، بدون اینکه زن متحمل ضرر شود» (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۷۸). علامه فضل‌الله حد معین شده در آیه را بیان‌کننده محدوده زمانی حق جنسی زوجه نمی‌داند و با دلایل زیر، نظر قائلین به چهار ماه را رد می‌کند. خلاصه ادله ایشان به این شرح است:

۱. طبیعت جعل ازدواج از طرف شارع، ارضاء غریزه جنسی و حفظ زوجین از ارتکاب گناه است و ما نمی‌توانیم محدودیت زن در رابطه جنسی را در یک دوره خاص از طریق تجربه یک زن در نیاز غریزی خود تأیید کنیم. زنان در نیاز جنسی مختلف هستند، همان طور که مردان مختلف‌اند. حال آنکه با توجه به روایات، نیاز جنسی زن بیش از مرد است و اگر حیاء مختص به ایشان نبود، چه بسا برای پاسخ‌گویی به این نیاز به انحراف کشیده می‌شدند.
۲. در روایتی آمده: از امام رضا علیه السلام سؤال شد: «اگر مردی به خاطر مصیبتی از همسرش دوری

کند، بدون اینکه قصد ضرر داشته باشد، مرد گناهکار است؟ حضرت فرمودند: اگر بیش از چهار ماه او را ترک کند، گناهکار است». فقهاء با استناد از این روایت و الهام گرفتن از آیه مورد بحث، به حد چهار ماه فتوا داده‌اند؛ درحالی‌که فقیه با توجه به آیه «وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره: ۲۲۸)، می‌تواند تساوی در حق نزدیکی را برای زن نتیجه بگیرد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۷۴-۲۷۸). به این معنا که همان‌طور که بر زن لازم است در هنگام طلب، نیاز جنسی مرد را برطرف کند؛ بر مرد هم لازم است در هنگام نیاز زن، پاسخ‌گوی او باشد.

۳. طبیعت و حکمت ازدواج، با محدود کردن رابطه جنسی زوجه به مدت چهار ماه ناسازگار است. چه بسا زن نیاز و حاجت بیشتری داشته باشد؛ چراکه مرد بنا بر شریعت، اجازه برخورداری از ۴ همسر و بنا بر فقه امامیه، مجوز عقد موقت را دارد؛ درحالی‌که زن فقط محدود به تک‌همسری است. با این توضیح چطور یک زن با داشتن سه مرتبه حق رابطه جنسی در سال، می‌تواند به نیاز جنسی خود پاسخ بگوید؟! و این درحالی است که در روایتی آمده است اگر مردی با زنی ازدواج کند، اما میل و نیاز جنسی او را برآورده نسازد، اگر زن زنا کند گناهِش بر گردن اوست. پس در صورت نیاز جنسی زن، برآوردن نیاز جنسی وی واجب است.

۴. ممکن است بتوان چنین نتیجه گرفت که این ادله می‌توانند گویای بیشترین حد اجازه داده شده در شرایط اضطراری مانند قسم بر ترک رابطه (ایلاء)، مصیبت و یا سفر باشد، نه اینکه حد رابطه را در حالت طبیعی بیان کنند. چنان‌که حق قسم، برای زوجات بلکه زوجه، اشاره به فراهم کردن شرایط برای بهره‌بردن دائمی زوجین در مدت چهار روز دارد؛ حتی اگر در مبیعت، جماع شرط نباشد. چراکه طبیعت غریزه، در فضای مضاجعت شبانه در زندگی زناشویی، برقراری رابطه جنسی است.

۵. نتیجه این‌که باید بین هدف و مقصود قرآن در زندگی زناشویی، با فقه و فتوای موجود ارتباط برقرار کنیم و زندگی زناشویی برای زن و مرد به‌گونه‌ای ترتیب داده شود که هر دو از بی‌عفتی حفظ شوند و این امر مستلزم بررسی با دیدگاهی جدید در فقه است. (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۷۵-۲۷۸)

بنا بر دیدگاه علامه طباطبایی، همسران برای رفع نیاز و نفع‌رسانی به یکدیگر خلق شده و کسی نباید از این حق محروم شود تا در سایه ارضاء این نیاز، آرامش زوجین حاصل گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۱۸؛ ج ۴، ص ۱۸۹ و ج ۱۶، ص ۱۶۵). بنابراین از حقوق مشترک زوجین، تأمین نیازهای جنسی است و آنچه حد این حق را مشخص می‌کند میزان نیاز است. در زمینه نیاز زنان، علامه معتقد است شهوت جنسی مردان بیش از زنان است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۸۹). علامه به جهت پیش‌فرض فقهی مسئله یعنی وجوب بهره‌مندی زن از رابطه جنسی هر ۴ ماه یک‌بار، از مسئله ایلاء به طور مستقیم، حد کمی و حد وجوب فاصله زمانی را به مدت ۴ ماه برداشت کرده و این مسئله را بدون بیان هیچ احتمال دیگر بیان نموده است. در مقابل، علامه فضل‌الله با استناد به دلایل متعدد، حد زمانی مشخص شده را بیان‌کننده نهایت صبر زنان می‌داند که در خصوص موارد خاص مثل ایلاء، وفات یا... بیان شده‌اند و دلیلی بر تعمیم آن به شرایط طبیعی نداریم (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۲۷۸). ایشان آیه و روایات مرتبط با ایلاء (شرایط تحقق، احکام خاص ایلاء و علت محدوده زمانی چهار ماه) را قابل تعمیم بر غیر آن نمی‌داند.

با بررسی و تطبیق دیدگاه نظریات دو مفسر، شاهد پذیرش حق جنسی ۴ ماه یک‌بار زن توسط علامه طباطبایی هستیم که ایشان این حق کمی را به مسئله فقهی بازگردانده و اظهار نظری در این مورد که موافق و یا مخالف طبع و نیاز زنان باشد، بیان نکرده است. البته علامه طباطبایی در جایی دیگر به این مسئله اشاره می‌کند که اگر قوانین فقهی (زناشویی) با احکام اخلاقی آن همراه شوند، نتیجه آن قانونی بسیار گوارا و قابل عمل خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۵۳). ازدواج برای رسیدن به سعادت زندگی است و این سعادت به دست نمی‌آید، مگر با آرامش هر یک از زن و شوهر و کمک کردن آن‌ها در رفع حوائج غریزی یکدیگر. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۵۵)

با توجه به این عبارات شاید بتوان اینگونه نتیجه گرفت که علامه طباطبایی ذیل آیه ایلاء، به حکم فقهی و قانون شریعت در حد زمانی حق جنسی زوجه اشاره می‌کند که همان نظر فقهی مشهور است؛ اما آنچه که از مجموع مطالب بیان شده ایشان در ذیل آیات خانواده فهمیده می‌شود، ترجیح اخلاق بر حقوق در خانواده و توجه به آداب استحبابی زناشویی در راستای آرامش است که با روح اسلام نیز سازگار است. علامه فضل‌الله به ابعاد مختلف موضوع پرداخته و با

تطبیق به زمان حاضر و آن چه که از نیاز جنسی زنان به دست می‌آید، حق کمی نیاز جنسی زنان را متفاوت از حق ۴ ماه یک بار می‌داند.

به نظر نویسنده، مطلق دانستن حق استمتاع به صورت ۴ ماه یک بار با استناد به آیه، قابل تردید است و می‌توان با دیدگاه‌های تخصصی که به مطالعه مسائل زنان می‌پردازد، با تقیید به آیه، مسئله مذکور را بازخوانی کرد. به همین دلیل به نظر می‌رسد دیدگاه علامه فضل‌الله به صواب نزدیک‌تر باشد، هرچند ممکن است دلایل ایشان قابل خدشه باشد.

### نتیجه‌گیری

نیازهای جنسی از جمله نیازهای زیستی محسوب می‌شود که غفلت از آن می‌تواند در ابعاد مختلفی ایجاد مشکل کند. دو اصل «معاشرت به معروف» و «مماثلت زوجین در حقوق و تکالیف» از مبانی قرآنی این بحث است و حقوقی همچون: حق قسم، حق مضاجعه و حق استمتاع، قابل برداشت از آیات است. در مورد حق قسم و مضاجعه، اتفاق نظر بین دو مفسر وجود دارد و مهم‌ترین اختلاف، در حد زمانی حق استمتاع زوجه است. هرچند بحث از حقوق جنسی، بحثی کاملاً فقهی است، بررسی نظرات فقهی و استنادهای مرتبط را می‌طلبد و خارج از رویکرد این نوشتار است، اما به نظر می‌رسد دیدگاه علامه فضل‌الله به اصل «معاشرت به معروف» نزدیک‌تر است.

بررسی‌ها و استنادات علامه فضل‌الله، بحث را به مباحث فقهی نزدیک ساخته، درحالی‌که علامه طباطبایی با پیش‌فرض فقهی محدود بودن حق جنسی زن به ۴ ماه در شریعت اسلام، تنها به بیان تفسیری خویش از آیه پرداخته است. به عبارتی، بحث ارائه‌شده توسط علامه فضل‌الله، فقهی - تفسیری است، درحالی‌که بیانات علامه طباطبایی صرفاً تفسیری است.

از مجموع مطالب ارائه‌شده و عرضه روایات مرتبط با ۴ ماه به قرآن و توجه به اصل معاشرت به معروف، می‌توان اطمینان یافت که اسلام حد چهار ماه را به‌عنوان حداقل حق جنسی زن معین کرده و این مدت، قابل کاهش و افزایش است. کوتاه‌شدن این زمان در موردی که خوف ضرر و به‌گناه‌افتادن زن وجود دارد و یا این‌که زن نیاز جنسی دارد و افزایش مدت در برخی شرایط استثنایی، که محرومیت جنسی زن ناشی از کوتاهی همسر نیست مانند عروض ناتوانی جنسی بر



شوهر پس از ازدواج و یا مفقود شدن شوهر که به دلیل مصالح خانوادگی، زن از این حق برخوردار نیست و لزوم انتظار کشیدن زن تا یک سال به منظور معالجه شوهر و تا چهار سال به منظور اطلاع یافتن از سرنوشت وی وجود دارد. (مومن، ۱۳۹۲، ص ۱۹۹)

در مجموع، می‌توان گفت ملاک اصلی در خصوص رفع نیازهای جنسی همسران، رفع نیازهای مشروع و متعارف همسران، به منظور جلوگیری از لغزش و معصیت می‌باشد. قابل ذکر است که این مسئله از دید فقهای معاصر نیز پوشیده نمانده و فتوا به لزوم و وجوب بهره‌مندی زن از رابطه جنسی، در صورت نیاز زن و ترس از به‌گناه افتادن، در کمتر از چهار ماه داده‌اند که در جایگاه خود قابل بررسی است. در تطبیق دیدگاه کلی علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله باید گفت که علامه فضل‌الله به مسائل روحی و روانی و آرامش زن توجه بیشتری کرده و در ابعاد مختلفی به مسائل زنان پرداخته است. تألیفات متعدد ایشان در حوزه مطالعات زنان نشان واضحی از این مطلب است. پرداختن به موردی مانند کیفیت روابط جنسی نیز از همین دست است.

مرجع اختلاف نظرات و دیدگاه‌ها به مبنای این دو مفسر بازمی‌گردد. علامه طباطبایی اساس ازدواج را بر بقاء نسل و نوع انسانی می‌داند نه تعاون و زندگی اشتراکی زن و مرد به قصد لذت و در واقع نیاز جنسی، مقدمه و وسیله‌ای است که خداوند به منظور بقاء انسان در وجود آن دو نهاده است. این جاذبه جنسی در دو طرف، هدفی به جز تولید مثل و بقای نوع بشر دنبال نمی‌کند و تمامی احکامی را که اسلام در این باره وضع کرده، در همین راستاست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۱۸). هرچند ایشان ذیل آیات دیگر با توجه به مبنای معاشرت به معروف، زناشویی بر اساس اخلاق را بر زناشویی مبتنی بر حقوق ترجیح داده و آن را مطابق با روح حاکم در شریعت اسلام می‌داند و بر این باور است که همسران باید در رفع نیازهای جنسی و غریزی و رفع نقص و احتیاج یکدیگر بکوشند تا به سعادت برسند.

در مقابل، مبنای علامه فضل‌الله در ازدواج، لذت‌بخشی و رفع نیازهای جنسی در کنار هدف بقاء نسل است. پیشنهاد می‌شود مسئله حقوق جنسی زنان با توجه به اقتضائات معاصر، از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و از منظر علمی همچون حقوق و روانشناسی مورد بررسی قرار بگیرد تا حدود و ثغور این حق در بعد کیفیت و کمیت، روشنی یابد.



## فهرست منابع

قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

### الف) کتاب:

۱. ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة.
۴. ازهری، محمد بن احمد، بی تا، تهذیب اللغة، بی جا: بی تا.
۵. امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق، الفقه المنسوب الی الامام رضا علیه السلام، مشهد: آل البیت.
۶. انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۱۲ق، فرائد الاصول، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. بستان، حسین، ۱۳۸۸ش، اسلام و تفاوت های جنسیتی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۴ش، جامعه شناسی خانواده، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۹. ثمنی، لیلا، ۱۳۹۶ش، حقوق غیر مالی زوجه از دیدگاه مذاهب خمس، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۱۰. جان بزرگی، مسعود و پناهی، علی احمد، ۱۳۹۶ش، روانشناسی مرد و زن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۱. جرجانی، امیرابوالفتح، ۱۴۰۴ق، تفسیرشاهی، تهران: نوید.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش، تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
۱۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۳ش، خانواده و حقوق متقابل، قم: اسراء.
۱۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۵ش، حق و تکلیف، قم: اسراء.
۱۵. حر عاملی، محمد حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل المسائل الشرعیه، قم: آل البیت.
۱۶. حسین خانی، هادی، ۱۳۸۷ش، هفت روش پیشگیری از انحرافات جنسی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۷. حسینی شیرازی، محمد، ۱۴۰۵ق، الفقه، بیروت: دارالعلم.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، مفردات، مترجم: غلامرضا حسینی، تهران: مرتضوی.
۱۹. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۲ق، مفردات، بیروت: دار القلم.
۲۰. روحانی، سید محمد صادق، ۱۴۱۴ق، فقه الصادق، قم: دار الکتب.
۲۱. زیبایی نژاد، محمدرضا، ۱۳۹۳ش، تحلیلی بر مهم ترین مسائل زن و خانواده در ایران (بیانیه های علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده از سال ۸۱ تا ۹۲)، قم: دفتر تحقیقات و مطالعات زنان.
۲۲. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۲۱ق، الاتقان، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۳. شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، مسالک الأفهام، بی جا: المعارف الاسلامیه.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴ش، المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰ش، المیزان، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.



۲۶. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، *جوامع الجامع*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ش، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران: المکتبه المرتضوی.
۲۹. غلامی، یوسف، ۱۳۷۸ش، *بی میلی جنسی در بانوان*، بی جا: راضیه.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، قم: هجرت.
۳۱. فضل الله، محمدحسین، ۱۳۸۱ش، *دنیای زن*، تهران: سپهروردی.
۳۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳ش، (الف) *اسلام؛ زن*، *جستاری تازه*، مترجم: مجید مرادی، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم).
۳۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳ش، (ب) *زن از نگاهی دیگر*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۳۴. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۹ق، *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملک.
۳۵. فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۷ش، *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث تربیت جنسی*، قم: دار الحدیث.
۳۶. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، ۱۴۰۵ق، *فقه القرآن*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت: دار الاحیاء.
۳۹. محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۳۷۴ش، *شرائع الاسلام*، مترجم: ابوالقاسم یزدی، تهران: دانشگاه تهران.
۴۰. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۰ش، *نظریه حقوقی اسلام*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲ش، *نگاهی گذرا به تاریخ بشر*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۳ش، *انسان سازی در قرآن*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴۳. مصطفوی، حسن، ۱۴۲۶ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۴۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۴۸ش، *اخلاق جنسی در اسلام و غرب*، تهران: محمدی.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۶. مومن، رقیه، ۱۳۹۲ش، *جایگاه و محدوده حقوق جنسی زوجین*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۷. نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ق، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت: دار التراث العربی.

#### ب) مقاله:

۱. احمدیه، مریم، ۱۳۹۰ش، «معاشرت به معروف»، *مطالعات راهبردی زنان*، تابستان ۱۳۹۰، ش ۵۲.
۲. نوبهار، رحیم و حسینی، سیده ام البنین، ۱۳۹۷ش، «حدود روابط جنسی زن و شوهر در چارچوب قاعده معاشرت به معروف»، *مجله خانواده پژوهی*، دوره ۱۴، ش ۱.